

# سیر الی المعاد

حکیم سنائی غزنوی

تصحیح و توضیح  
مریم السادات رنجبر

مکتبہ المدینہ، لاہور



باجدید نظر و اصلاح

# سیر الی المعاد

حکیم سنائی غزوی

تصحیح و توضیح  
مریم السادات رنجبر



انتشارات مولی

سرشناسه : سنایی، مجدودین آدم، ۴۴۷۲ - ۴۵۲۵ ق.  
عنوان و نام پدیدآور : سیرالعباد الی المعاد / سنایی غزنوی؛ تصحیح و توضیح مریم السادات رنجبر.  
وضعیت ویراست : [ویراست ۲].  
مشخصات نشر : تهران: مولی، ۱۴۳۸ ق = ۱۳۹۶.  
مشخصات ظاهری : سی، ۴۰۲ ص؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ سم.  
شابک : 978-600-339-065-2  
وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.  
موضوع : شعر فارسی -- قرن ۴ق.  
Persian poetry -- 12th century  
موضوع : شعر عرفانی فارسی -- قرن ۴ق.  
Sufi poetry, Persian -- 12th century  
شناسه افزوده : رنجبر، مریم‌السادات، ۱۳۳۸ . - مصحح  
رده بندی کنگره : PIR۲۹۲۶ ۱۳۹۶  
رده بندی دیوبی : ۸۵۱/۳۲  
شماره کتابشناسی ملی : ۴۷۳۵۱۲۸



تهران: خیابان انقلاب-چهارراه ابوریحان-شماره ۱۱۵۸، تلفن: ۶۶۴۰۹۲۴۳-۶۶۴۰۰۷۹-نمابر: ۶۶۴۰۰۰۷۹

وب سایت: [www.molapub.com](http://www.molapub.com) • اینستاگرام: molapub • تلگرام: molapub • ایمیل: [molapub@yahoo.com](mailto:molapub@yahoo.com)

سیر العباد الی المعاد • حکیم سنایی غزنوی

تصحیح و توضیح: مریم السادات رنجبر «عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان»

چاپ اول مولی: ۱۳۹۶=۱۴۳۸ • ۷۲۰ نسخه • ۲۶۴/۱  
۹۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۹-۰۶۵-۲ ISBN: 978-600-339-065-2

خوشنویسی: استاد حمید عجمی

حروف نگاری: دربیجه کتاب • لیتوگرافی و چاپ: ایران مصور • صحافی: نوری

کلیه حقوق مربوط به این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات مولی است



انشارات مولی  
۳  
ریال ۵۵۰۰۰۰

## فهرست مطالب

هفت	پیشگفتار چاپ دوم
نه	پیشگفتار سیرالعباد
پانزده	معرفی نسخه‌ها
۳	سیرالعباد الی المعاد
۵	اندر مراتب نفس نابتة گوید بر طریق [حس] ظاهر
۸	صفت روح حیوانی
۱۳	صفت عقل [مستفاد]
۱۷	صفت گوهر خاک و نتایج او در آدمی
۱۹	صفت الحسود وَالْحسود مریض و طبع‌المرض
۲۰	صفت صورت حَقْد
۲۰	صفت صورت طمع
۲۳	صفت کیوان
۲۴	صفت رطوبت و نتایج او در حیوان
۲۶	صفت ماه
۲۸	صفت گوهر هوا
۳۰	صفت هر مزد
۳۱	صفت آتش و آنچه ازو زاید
۳۳	صفت بزرگ‌منشی
۳۵	صفت مراتب نفس انسانی
۳۶	صفت ارباب تقلید
۳۷	صفت طبایعیان
۳۷	صفت ستاره‌پرستان
۳۸	صفت آیمه ظن
۳۹	صفت [قرآیان]

۴۰	صفت معجبان
۴۱	صفت جمهور مُقلِّدان
۴۳	صفت نفس کلی
۴۶	صفت عقل [کل]
۴۷	صفت عقل کلی
۴۹	صفت سالکان طریقت
۵۰	صفت ارباب توحید و عبودت
۷۱	شرح ابیات (نسخه N)
۲۳۹	توضیحات
۳۴۰	شرح ابیات الحاقی
۳۴۷	مقدمه شرح نسخه F
۳۵۳	مقدمه شرح نسخه K
۳۵۷	شرح اصطلاحات مقدمه
۳۷۸	لغات و اصطلاحات مقدمه
۳۷۹	لغات و اصطلاحات ابیات
۳۸۷	لغات ابیات الحاقی از H.B.P
۳۸۸	فهرست آیات
۳۹۱	احادیث
۳۹۲	ضرب‌المثلها
۳۹۳	فهرست نامها
۳۹۴	جایها - جانوران
۳۹۶	مآخذ و نامهای اختصاری

## پیشگفتار چاپ دوم

نزدیک به بیست سال از اولین چاپ این کتاب می‌گذرد و امکان تجدید چاپ میسر نشده است، اکنون که به پیشنهاد و همت انتشارات محترم مولی، چاپ دوم کتاب صورت می‌گیرد، لازم است نکاتی به عنوان مقدمه بیان شود:

اساس کار به همان شیوه چاپ اول است. یعنی در بخش اول، متن اصلی مثنوی به همانگونه که در پیشگفتار بیان شده با حفظ رسم الخط و تعداد اصلی ابیات چاپ شده و بخش دوم و سوم، ضمن افزودن بیت‌های اضافی سایر نسخ، به شرح ابیات و توضیحات مربوط، اختصاص یافته است.

در چاپ اول بخاطر تعجیل در آماده‌سازی کتاب، بعضی مطالب تکراری یا بیمورد وارد شده و در برخی موارد، کاستی‌هایی صورت گرفته که اینک بر طرف شده است.

بعد از چاپ کتاب، نقد ارزنده‌ای به قلم دکتر علی‌اکبر احمدی در مجله آینه پژوهش شماره ۶۰، زمستان ۱۳۷۸ به نگارش درآمده که — با سپاس از تذکرات سودمند ایشان بیشتر آنها اعمال گردیده است.

در این نوبت سعی شده، علاوه بر تغییر در کیفیت چاپ، اشکالات تایپی، افتادگیهای سهوی و برخی مواردی که مغفول مانده، اصلاح و برطرف گردد.

در پایان از انتشارات محترم مولی که بر تجدید چاپ کتاب همت گماشته‌اند، سپاسگزاری می‌شود.

مریم السادات رنجبر

بهار ۱۳۹۶

## پیشگفتار چاپ اول

### سیرالعباد الی المعاد<sup>۱</sup>

جز سنایی دگر نگفت کسی  
اینچنین گوهری نسفت کسی  
هست معنیش اندرون حجاب  
چون عروسی ز مشک بسته نقاب  
(طریق‌التحقیق / ص ۱۷۱)

مثنوی سیرالعباد الی المعاد منظومه‌ای عرفانی است که شرح تکامل روح انسان را نشان می‌دهد. شاعر در این مثنوی موضوعی فلسفی را با مدح<sup>۲</sup> ممدوح که او را نمونه انسان کامل می‌داند، همراه کرده و برای بیان این مطلب، بعد از مقدمه و طرح موضوع اصلی (مراحل رشد روح) به مدح وارد شده است.

آغاز چکامه خطاب رمزآمیزی به «باد» است که بر خلاف مثنوی «کارنامه بلخ» تا پایان ادامه ندارد بلکه برای ورود به متن اصلی که نشان‌دهنده سیر روح به مدارج مختلف است، با بیانی اندرزگونه پایان می‌یابد، به این صورت که باد لحظه‌ای به سخن شاعر گوش فرا دهد تا او «رمز آفرینش» خود را بیان کند:

۱. بخشهایی از پیشگفتار برگزیده و برداشتی است از مقاله «سیری در سیرالعباد الی المعاد» نوشته «د بروبین» ترجمه دکتر محمود عبادیان که در مجله «شعر» شماره‌های ۱۲ و ۱۳، سال دوازدهم (مرداد - آبان - ۱۳۷۳) درج گردیده است.
۲. مدح نه به آن گونه‌ای که در اشعار شعرای مدیحه‌گو سراغ داریم.

یک‌زمان از زفان بینش من      گوش کن رمز آفرینش من

و باد همان نفخه الهی است و حامل روح در بدن. روح به محمل نفخه سیر کرده، پس نفخه، مقدم بر روح است و اینکه ابتدای مثنوی خطاب با باد است بر این اساس می‌باشد. هدف سنایی در این منظومه این بوده که به مخاطب («باد» که به کنایه خواننده چکامه است) بیاموزد که خود را وقف وظایفی کند که مقتضای وجود اوست: «رشد دادن اخلاق و فضایل معنوی خود». او بیان رمز آفرینش را با کلام خلاق الهی «امرکن» آغاز می‌کند که در واقع همان پا به هستی گذاشتن بشر است. مراحل بعد از آن بیانگر رشد جنینی (زندگی گیاهی)، مرحله حیوانی و بالاخره بیداری روح ناطقه است که در پرتو هدایت عقل حاصل می‌شود و در نهایت به مدح ممدوح منجر می‌گردد. بخش مدحیه نیز تقریباً یک سوم تمام منظومه را به خود اختصاص داده است.

این منظومه بطور کلی درباره وجود خاکی انسان است که بعد از طی مدارج رشد تا مرحله بیداری بالا می‌رود. اولین مرحله، روح گیاهی است که در دوره جنینی چون پرستاری انسان را نگهداری می‌کند. سپس روح حیوانی که بیشترین وظیفه آن گردآوری اطلاعات از جهان خارج به کمک حواس پنجگانه ظاهر و نگهداری و بهره‌مندی از آن به مدد حواس درونی است که این کار در سایه سازگاری چهار عنصر طبیعی امکان‌پذیر خواهد بود. در طی مراحل رشد و آمادگی برای پذیرش «نفس گویا» با گشودن چشم بصیرت، موفق به یافتن راهنمایی می‌شود که در سیر مراحل عقلانی او را ارشاد کند:

روزی آخر به روی باریکی      دیدم اندر میان تاریکی  
پیرمردی لطیف نورانی      همچو در کافری، مسلمانی

این راهنما که در حقیقت همان عقل فعال است - و از عقل کل دستور می‌گیرد - در طی سفر به او می‌گوید که در نهایت به «معاد» باید رسید و راه آن از طریق پشت سر گذاشتن زندگی مادی است.

ظاهراً سنایی دو اثر فلسفی قبل از خود را مد نظر داشته است: یکی کتاب آداب العرب والفرس از ابن مسکویه فیلسوف (۴۲۱ - ۳۲۵) و دیگر رساله حی بن یقظان ابن سینا<sup>۱</sup>. آنچه

۱. هر دو کتاب عربی است.



بین این دو اثر و سروده سنایی مشترک است، آنست که هر سه متضمن نمادهایی برای درک مفاهیمی است که بیان‌کنندهٔ رشد اخلاقی انسان در این جهان است و الگوی مشترک آنها تمثیل «پیرمردی» به عنوان راهنمای روحانی است که در گذر از «سه مرحله» برای رسیدن به کمال، انسان را همراهی می‌کند. با اینکه سرودهٔ سنایی با بخشی مدح‌گونه همراه است ولی تردیدی نیست که او در بیان سفر تمثیلی خود از روش ابن مسکویه و ابن سینا پیروی کرده و موضوعش در نهایت مانند آن دو، معاد است. همچنین قصهٔ ابن طفیل و رساله الغفران ابوالعلاء معری و معراجنامه‌هایی که دربارهٔ معراج پیامبر اکرم (ص) نوشته شده، در بردارندهٔ مفاهیم فوق است که سنایی از آنها متأثر بوده است. روشنایی‌نامهٔ ناصر خسرو نیز محتوایی نزدیک به این آثار دارد.

این سیر تخیلی که نشانگر مدارج رشد و کمال انسانی است و به همراهی راهنمایی انجام می‌شود ریشه در ادبیات باستانی ایران دارد و آن ارداویرافنامه است که مراحل سفر ارداویراف، پارسای زردشتی به عالم بالا و دیدار او را از دوزخ و بهشت نشان می‌دهد و این را می‌آموزد که انسان باید در زندگی راستی بورزد و بر دینی که برای او فرستاده شده، رفتار کند و پارسایی را بستاید، چرا که اورمزد همهٔ کردارها، گفتارها و پندارهای آدمی را می‌داند.<sup>۱</sup> در قرون بعد رسالهٔ **حی بن یقظان** ابن سیناست. منظور از **حی بن یقظان** عقل فعال است که سالک را برای رسیدن به حق راهنمایی می‌کند. او را به سیر و سفر به دور جهان می‌برد، سپس مراحل وصول را با گذر از دو عالم مادی و معنوی به رمز بیان می‌کند.<sup>۲</sup>

علاوه بر اینها منطق الطیر عطار و نیز رسالهٔ الطیر شیخ اشراق است که به پیروی از رسالهٔ الطیر ابن سینا نگارش شده است. در ادبیات غیر اسلامی (و غیر ایرانی) نیز نمونه‌هایی از این سفر تخیلی وجود دارد. یکی از آنها کمدی الهی دانته است. سرودهٔ او به سه قسمت دوزخ، برزخ و بهشت تقسیم می‌شود. در واقع آن، سفرنامهٔ انسانی زنده به دنیای جاوید است (مانند ارداویرافنامه). دانته در این سفر زندگی روحانی و سیر معنوی انسان را تا مرحلهٔ کمال

۱. ارداویرافنامه، ص ۹۵ - ۹۴.

۲. و نیز کتاب مصباح الارواح که آن نیز سفری تخیلی در مراتب نفس است که به همراهی پیری آگاه و روشن‌بین انجام می‌شود.

و رسیدن به صفای باطن و تزکیه نفس نشان داده است. در پایان که به زمین بازمی‌گردد، وظیفه ارشاد و راهنمایی مردم زمینی به سوی کمال معنوی به عهده او گذاشته می‌شود. همچنین منظومه «بهشت گمشده» جان میلتون انگلیسی و نیز رمان عرفانی «سیر و سلوک زائر» از جان بانی‌زین انگلیسی را می‌توان نام برد.

داستان سیرالعباد نیز بر این هدف استوار است که حقیقت انسان را با توجه به زندگی مادی او و سیر تکاملی‌اش توضیح دهد. آنچه او توصیف می‌کند هم شامل مهارکردن هواهای نفسانی و هم شامل رشد ویژگی‌های ذاتی انسان است.<sup>۱</sup> با توجه به مدحی بودن منظومه درمی‌یابیم که هدف او از مطرح کردن مسأله معاد و نیز ستایش مردی زاهد و عالم که از مشایخ حنفی است این بوده که برخی اصول اخلاقی و مذهبی را به خواننده خود تلقین کند و آنها را در قالب عباراتی منسجم عرضه دارد. در این راه توجه او بیشتر به تأثیر بیانی است تا معنای لفظی، چنانکه در حدیقه نیز به منظور بیان نکته‌ای در ضرورت زهد، معاد را در مفهوم تدارک زندگی آینده به کار برده است:

هر که روی از خرد نهد به جماد	سرنگون خیزد از سرای معاد
از نسی و نسی بستابد روی	هر که اکنون در این کلوخین کوی
روی باشد قفا، قفا رویش	چون قیامت برآرد از کویش

(حدیقه، ص، ۳۶۴ ب ۱۷-۱۵)

اشاره به موضوع معاد در این مثنوی گواه آن است که شاعر به مفاهیمی توجه داشته که همگی بیان‌کننده وظایف اخلاقی و مذهبی انسان در این جهان است — چنانکه در پایان ارداویرافنامه نیز بیان شده — نکته قابل توجه دیگر در سیرالعباد، گریز شاعر از سفر خیالی به مدح ممدوح است که او را به عنوان نمونه «انسان کامل» معرفی می‌کند.

با مقایسه هر سه اثر ارداویرافنامه، سیرالعباد، کمندی الهی (و نیز نمونه‌های دیگر) درمی‌یابیم که این انسان هدایت شده به وسیله پیر یا عقل یا راهنمای روحانی، وظیفه دارد

۱. اوپانیشاد نیز رسیدن به کمال را با عبور از مادیات شروع می‌کند. در واقع می‌گوید: زندگی حج است و بشر کسی است که به حج می‌رود. مبدأ سفر حالت مادی است و سر منزل اعلی رسیدن به الوهیت است (۳۰۶). اوپانیشاد در راه جستجوی حقیقت است و تعالیم این مکتب براساس علم الهی و توحید و وجود مطلق است (ص: ۱۰۸، ۲۹۶ و ۳۰۵).

علاوه بر سیر در عالم روحانی و درک حقایق و رسیدن به کمال، خود به عنوان راهنما (همان انسان کامل) به زمین بازگردد و راه روشن را به زمینیان نشان دهد.

تأمل در سیرالعباد همچنین این نتیجه را به دست می‌دهد که این مثنوی آمیخته‌ای از جنبه‌های دنیایی و مذهبی است و این ویژگی بارز و کلی شعر تعلیمی است که اغلب در آن یک آیین اخلاقی در قالب تمثیل بیان می‌شود. سنایی برای رساندن بشر به کمال، سیر او را — بعد از بیان مراحل رشد جنینی — از معرفت چهار عنصر و گذشتن از آنها شروع می‌کند تا به افلاک راه یابد و این افلاک، هر یک نماینده‌ی گروهی از مردم و خصلت‌های آنها هستند که سالک باید آنها را نیز بشناسد و بگذرد تا به عرش اعلی که کمال مطلق است دست یابد و به جایی برسد که «آنچه اندر وهم ناید آن شود»<sup>۱</sup>

اگر بخواهیم مفهوم این سفر را ساده‌تر بیان کنیم باید بگوییم این سیاحت در چهار عنصر و افلاک و رسیدن به عرش (که در ارداویرافنامه و کمدی الهی به صورت عبور از دوزخ، برزخ و بهشت نمایش داده شده) سیر معنوی آدمی در روح خود او و طی مراحل این راه از غفلت و جهل و گناه تا سر منزل هشیاری، دانایی و رستگاری است. سیری از باطن تا حق و از ظلمت تا نور و از ماده تا معنی. و هنگامی این سیر معنوی به پایان می‌رسد که آدمی با خداوند درآمیزد؛ یعنی جزء به کل پیوندد و زمانی که چنین شود دیگر اثری از ضعف و جهل نمی‌ماند تا برای وی امکان خطایی باشد<sup>۲</sup>. و این همان گفته‌ی خود سنایی است که در جایی دیگر می‌گوید:

بهشت و دوزخ با تست در باطن نگر تا تو

سفرها در جگر یابی چنانها در چنان بینی<sup>۳</sup> (دیوان، ص ۷۰۸)

۱. سخن مولوی است که می‌فرماید:

تا برآرم از ملایک پر و سر  
کُل شیء هالک آلا وجهه  
آنچه اندر وهم ناید آن شوم  
(مثنوی، دفتر سوم، ب ۳۹۰۵-۳۹۰۱)

... حمله دیگر بمیرم از بشر  
وز ملک هم بایدم جستن زجو  
بار دیگر از ملک قربان شوم

۲. کمدی الهی، مقدمه، ص، ۱۰۹۰

۳. در دیوان (قصیده ۳۰۷، ص ۷۰۴) می‌فرماید:

اما باید دانست که در ادبیات و عرفان اسلامی بیان چنین سفر خیالی، احتمالاً از معراج حضرت رسول(ص) سرچشمه گرفته است. چنانکه آن حضرت از آسمانهای مختلف گذر کرده و درکات جهنم و درجات بهشت را دیده تا آنگاه که حضرتش به قاب قوسین رسید، سنایی نیز در سفر روحانی خود از افلاک گذر کرده و هر فلکی را نماینده گروهی از مردم دیده و در نهایت به صفی رسیده که در خرابات قاب قوسین ساکن بوده و هر کدام به صفتی موصوف. او این سفر را در جایی پایان می‌دهد که عاشقی از اهل این تصوف به او می‌گوید که دیگر اجازهٔ بالا رفتن ندارد مگر با هدایت «نوری» که آن «نور» رهبر «اصدقا به مقعد صدق» است و نامش ابوالمفاخر محمد منصور. از اینجا به مدح می‌پردازد و فضایل او را که به عنوان انسان کامل معرفی کرده برمی‌شمارد. سنایی این منظومه را در سن سی و سه سالگی و به منظور بزرگداشت آشنایی خود با او سروده است.

بعد از آشنایی با مضمون این اثر لازم است خصوصیات ظاهری نسخه‌های آن نیز بررسی شود:

قدیمی‌ترین نسخهٔ موجود برای این تصحیح مربوط به سال ۵۵۲ و شامل ۷۱۲ بیت است که ۲۵ بیت اول آن خطاب به «باد» است. پس از آن ابیات مربوط به معرفی نفس نباتی و روح حیوانی و سیر در چهار عنصر، سپس رفتن به افلاک تا آغاز مدح که ۴۶۳ بیت را شامل می‌شود و بخش پایانی که مدحیه است و ۲۲۴ بیت را به خود اختصاص داده است. ۱۲ بیت سیرالعباد با مثنوی کارنامهٔ بلخ مشترک است و بیتی دیگر نیز که فقط در یک نسخهٔ سیرالعباد وجود دارد<sup>۱</sup>.

بنا به تحقیق استاد مدرس رضوی، بعضی از ابیات این مثنوی در حدیقه هم به چشم می‌خورد از جمله بیت ۵۲۳:

سیرتش انتهای سورت نوح<sup>۲</sup>

صورتش ابتدای قوت روح

یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی  
جهانی کاندرو هر جان که بینی شادمان بینی  
اگر گبری سقریابی و گر مؤمن چنان بینی  
سقرها در جگر یابی چنانها در چنان بینی  
۲. مدرس، ص ۱۵.

→ دلا تا کی درین زندان فریب این و آن بینی  
جهانی کاندرو هر دل که یابی پادشا یابی  
نقاب قوت حسی چو از پیش تو بردارند  
بهشت و دوزخ باتست در باطن نگر تا تو  
۱. موارد آن در پایان پیشگفتار ذکر خواهد شد.

همچنین بیت: ۳۷۲.

متن حاضر براساس نه نسخه، به شرح ذیل، تصحیح شده است:

۱. (کلیات سنایی) نسخه سلیمانیه بغداد لی وهبی، نوشته بوسعید مودود بن قلیج اصفهانی ۷ شوال ۵۵۲، برای بدرالدین ابوعلی فرزند غازی صائغ هروی. (علامت اختصاری: (S).

۲. نسخه افغانستان از نسخه عکسی (کلیات سنایی) چاپ افغانستان (۱۳۵۶) که چاپ‌کنندگان آن را از قرن ۶ دانسته‌اند. (P)

۳. (کلیات سنایی) نسخه بایزید ولی‌الدین، ۶۸۴. (B)

۴. نسخه ایاصوفیه ۲۵ شوال ۷۳۰. (A)

۵. (کلیات سنایی) دیوان هند، نوشته گلشنی، ۸۸۴. (H)

۶. نسخه نافذ پاشا (شرح سیرالعباد)، ۶۷۴. (N)

۷. نسخه پاریس (شرح سیرالعباد)، ۸۸۳. (E)

۸. نسخه ایاصوفیا (شرح سیرالعباد) - کاتب گلشنی هروی خوشنویس، ۸۸۵. (F)

۹. نسخه ترکیه، (شرح سیرالعباد)، بدون تاریخ. (K)

تصحیح و تنظیم این مثنوی بر این اساس انجام شده که قدیمی‌ترین نسخه، یعنی (S) به دلیل صحت بیشترش نسبت به سایر نسخ، اصل قرار گرفته و بقیه به عنوان نسخه بدل در پانویس ذکر شده است.

موارد اصلاحی مربوط به کلماتی است که اشتباه بودن آنها مسلم بوده (به خصوص از نظر املائی یا قافیه). در چهار مورد هم که به نظر رسید بیتی از قلم افتاده و ارتباط ابیات به هم خورده، از دیگر نسخه‌ها افزوده شده است. همچنین برای حفظ قدمت آن در متن مصحح، رسم الخط آن دقیقاً رعایت شده (به جز اتصال حرف اضافه «به») و دیگر اینکه کلماتی از قبیل «حکمت، صدق، مثل...» که جلوی بعضی ابیات نوشته شده، در متن حاضر نیز درج گردیده است.

هر یک از نسخه‌ها مشخصاتی خاص خود دارد که به شرح زیر است:

نسخه S:

۱. به خط نسخ زیبا و خوانا نوشته شده است.

۲. الفبای ممدود - جز یکی دو مورد - بدون مد است (مثلاً اب، افتاب).
  ۳. حروف فارسی «چ، گ و پ» به شکل «ج، ک و ب» نوشته شده و حرف «ژ» در کلمه «کز و کزی» همه جا با سه نقطه آمده ولی کلمه «کژدم» را در تمام موارد با «ز» نوشته که بنظر می‌رسد باید تلفظ آن «گژدم» بوده باشد (رجوع به توضیحات بیت ۱۳۵). حرف (پ) نیز در یک مورد (بیت ۳۷۲) با سه نقطه است.
  ۴. «د» فارسی همه جا «ذ» است.
  ۵. حرف ربط «که و چه» به صورت «کی و چی» و در موقع اتصال به صورت «ک، چ» (هرچ، دانک...) ضبط شده، به جز دو یا سه مورد که «چه و که» است.
  ۶. «ی» وحدت یا نکره و بیان کسره و شناسهٔ دوم شخص افعال به شکل «ء» آمده (جزبیت ۶۱۱) مثلاً خانهٔ (خانه‌ای) و بلاء (بالای) و پیمودهٔ (پیموده‌ای). ضمناً کلماتی که آخر آن «یی» تلفظ می‌شود به شکل «ئی» و «ی» ضبط شده: روئی (رویی)
  ۷. حرف اضافه «به» و «نه» نفی فعل، متصل نوشته شده (جز بیت ۴۰۲).
  ۸. کلمهٔ «صد» جز در دو مورد همه جا «سذ» است.
  ۹. در کنار بعضی ابیات که متضمن حکمت یا پند... باشد کلمات «حکمت، مثل، پند...» نوشته شده است.
  ۱۰. از آغاز ابیات مدیحه تا ۳۰ بیت (۵۱۹ - ۴۸۹) به ترتیب از (۳۰ - ۱) شماره گذاری شده که بعضی شماره‌ها خوانا نیست.
  ۱۱. دو مورد به جای کسرهٔ اضافه، «ی» (کسرهٔ اشباع) استفاده کرده است (بیت ۶۸ و ۴۸۷).
  ۱۲. کلمات مرکب با «هم» را جدا ضبط کرده (هم چو...).
- در متن حاضر تمام موارد به جز گذاشتن مد، جدانوشتن حرف اضافه «به» و نوشتن حروف فارسی به شکل امروزی، سایر موارد عیناً رعایت شده است.

#### نسخهٔ P:

این نسخه مجموعه‌ای از آثار سنایی است که در سال ۱۳۵۶ در افغانستان چاپ شده و چاپ‌کنندگان آن را مربوط به قرن ششم می‌دانند. بعضی از آثار سنایی در این چاپ به صورت

خلاصه و برگزیده است، اما سیرالعباد به صورت کامل چاپ شده است. مشخصات آن عبارتند از:

۱. به خط نسخ کاملاً خوانا نوشته شده است.
۲. اغلب کلمات بدون نقطه است و در بیشتر موارد «-» گذاشته شده است.
۳. ابیات (نسبت به نسخه S) تقدم و تأخر دارد خصوصاً در ابتدای مثنوی.
۴. حرف «د» و کلمات «که و چه» را به شکل امروزی نوشته، جز چند مورد «که» که به صورت (کی، که، ک) ضبط شده است.
۵. حرف اضافه «به» را متصل و حروف «چ، ژ، گ و پ» را مانند نسخه S با یک نقطه نوشته است.
۶. در مورد اتصال «ی» و کسره اضافه در انواع مختلف، مانند نسخه S است.
۷. بین بیت ۵۲۳ و ۵۲۴، ۷۶ بیت فاصله دارد. از بیت ۵۲۴ تا ۵۷۸ بعد از بیت ۶۳۰ است و از ۶۳۱ تا ۶۹۱ بعد از ۵۷۸ است و از ۶۹۶ تا پایان مانند S است.

#### نسخه B:

۱. خط نسخ نه چندان خوب که در بعضی موارد قابل خواندن نیست.
۲. ۸۷ بیت اول را ندارد.
۳. چند مورد کلمات آخر مصرع را جا انداخته (که به جای خود در پانویس ذکر شده است).
۴. به مناسبت جمله، شکل بعضی حروف را تغییر داده مثلاً «ی» را گاهی «ی» ، «ی» ، «ی» نوشته است.
۵. بسیاری کلمات بدون نقطه است.
۶. عنوانهای آن بیشتر از سایر نسخ است.
۷. «که» را به دو صورت «که و کی» نوشته است.
۸. حروف فارسی را با یک نقطه نوشته است.
۹. «چه» را موقع اتصال به دو صورت «چ و چه» (آنچه و آنچه) نوشته و در مورد حرف «ی» و کسره نیز بعضی موارد مانند S است.

۱۰. موارد تقدم و تأخر ابیات آن مانند P است، خصوصاً از ابیات ۵۳۳ به بعد.

۱۱. بین بیت ۲۲۲ و ۲۲۳، ۹۱ بیت فاصله دارد.

نسخه A:

۱. به خط نسخ که در بعضی موارد ناخواناست. یعنی شکل کلمه درست قابل تشخیص نیست. مثلاً بیت ۹۳ مصرع دوم (راه بس دور و **تیر منی ماهرز** - ضمناً این نسخه ابیات مدیحه را ندارد.

۲. «که» را موقع اتصال «ک» نوشته است.

۳. مدّ کلمات را رعایت نکرده است.

۴. ضبط حروف فارسی و موارد مختلف «ی» و کسره اضافه مثل نسخه‌های قبلی است.

تنها بعد از «الف»، «ی» را به شکل امروزی نوشته است: (پیرایهای).

نسخه H:

۱. به خط نستعلیق خواناست.

۲. کم و زیاد و تقدم و تأخیر ابیات و عنوانهای آن اکثراً مانند B است.

۳. در اغلب موارد، حروف فارسی را به شکل امروز (با سه نقطه و گ) نوشته است.

۴. «که» به شکل امروزی ضبط شده است.

۵. ضبط حرف «ی» و کسره اضافه مانند نسخه A است.

۶. «ب» متصل به افعال را گاهی جدا (به) نوشته است.

۷. تقدم و تأخر ابیات بین بیت‌های ۲۲۱، ۲۲۲ و ۵۳۲ به بعد مانند نسخه‌های B و P

است.

نسخه N: (شرح سیرالعباد)

۱. به خط نسخ خوب و خواناست.

۲. ۲۵ بیت اول را ندارد ولی دارای مقدمه‌ای نسبتاً مفصل است. ابیات مدیحه را هم

ندارد.

۳. گاهی در ابیات کلمه‌ای را مخالف دیگر نسخ نوشته ولی در متن شرح درست آن را

آورده است.



۴. در بعضی موارد حرف یا کلمه‌ای را جانداخته که اغلب بالای بیت یا در حاشیه نوشته است.

۵. «که و چه» را به صورت‌های مختلف (ک، کی، چ و چه) ضبط کرده است.

۶. «د» را گاهی «ذ» نوشته و ضبط حرف «ی» در موارد مختلف مثل اغلب نسخ است.

۷. ضبط حروف فارسی و اتصال حرف «به» مانند سایر نسخ است.

۸. «س» و مد را در بعضی موارد رعایت کرده است.

۹. «الف» (اسب و است) متصل به کلمه است «ست».

۱۰. ضبط «ی» و کسره اضافه در حالات مختلف مانند دیگر نسخه‌هاست.

۱۱. در چند جا افتادگی دارد.

۱۲. در دو مورد سبک نگارش آن عوض شده، مانند کاربرد فعلهای «برفتمانی و

بگذشتمانی» (شرح بیت ۲۱۱) و جمله «همچون که شکفد گل» (شرح بیت ۳۸۹).

### نسخه E:

۱. به خط نستعلیق است.

۲. ۲۵ بیت مقدمه بدون شرح است، بعد از آن تا حدود بیت ۳۰۰ به ترتیب شرح داده

شده و از آن به بعد بعضی ابیات را معنی نکرده و گاهی چند بیت را با هم یکجا توضیح داده

است. ابیات مدیحه را نیز دارد.

۳. مدّ و «س» را گاهی رعایت کرده و «که و چه» را به شکل امروزی نوشته است.

۴. حروف «پ، ژ» را اکثراً با سه نقطه، «چ» را گاهی به شکل «ج» و «گ» به شکل «ک» و

«د» را گاهی «ذ» نوشته است.

۵. «نه» نفی فعل را جدا و «به» حرف اضافه را گاهی متصل ضبط کرده است.

۶. ضبط حرف «ی» و کسره اضافه، مانند سایر نسخ است.

۷. قبل از هر بیت کلمه «بیت» را آورده است.

۸. در قسمت شرح، گاهی رعایت جمع و مفرد را نکرده است.

۹. کلمات مختوم به «ه» را هنگام اتصال به (ی نسبت و مصدری) به شکل (تیره‌گی،

چرنده‌گی....) نوشته است.

۱۰. در دو مورد (ج) را (چ) نوشته است: «چوی» به جای «جوی» و «چوال» به جای «جوال».

نسخه F: (شرح العباد)

۱. به خط نستعلیق است.
۲. ۲۵ بیت اول را ندارد، ولی مانند N مقدمه‌ای دارد. ابیات مدحیه را نیز ندارد.
۳. مدّ و «» را گاهی رعایت کرده است.
۴. «به» حرف اضافه را متصل نوشته ولی در اتصال به فعل گاهی جداست و حروف فارسی نیز بعضی موارد به شکل امروزی است و «که» نیز به شکل امروزی است.
۵. حالات مختلف «ی» مثل سایر نسخه‌هاست.
۶. گاهی برخی کلمات و یکی دو مورد، تعدادی ابیات را جا انداخته است.

نسخه K: (شرح سیرالعباد)

۱. به خط نستعلیق است.
۲. مانند N و F دارای مقدمه‌ای است. ابیات مدحیه را مانند دیگر شروع ندارد.
۳. کسره اضافه کلمات مختوم به «الف» و «ه» را مانند بعضی نسخ به شکل امروزی نوشته است (واسطه، درختهای).
۴. قبل از هر بیت کلمه «قوله» افزوده است.
۵. مدّ و «» را اغلب رعایت کرده است.
۶. «به» حرف اضافه را متصل و در اتصال به فعل، گاهی جدا نوشته است.
۷. حروف فارسی را اغلب به شکل امروزی نوشته است.
۸. مانند E بعضی ابیات (بیت‌های ساده) را معنی نکرده و در بعضی موارد خیلی خلاصه توضیح داده است.

از بین این نسخ، سه نسخه H, B, P بسیار به هم شبیه است؛ هم از نظر تعداد ابیات، هم تقدم و تأخر آنها و اگر تاریخ P صحت داشته باشد ظاهراً دو نسخه B و H از روی آن

استنساخ شده است، زیرا تقدم و تأخرهای طولانی که از بیت ۵۳۳ در این سه نسخه شروع می‌شود عین هم است (رجوع به ص ۶۸ بعد از حاشیه ۴) و همچنین در هر سه، ۲۷ بیت بعد از ۵۳۳ وجود دارد که در هیچکدام از دیگر نسخ نیست از اینرو همه در پایان مثنوی در حاشیه درج گردیده است.

چهار نسخه شرح (E, K, F, N) نیز شباهتهایی دارند: به جز E سه تای دیگر مقدمه‌ای در شرح نفس عاقله و نفوس نباتی و حیوانی و خلاصه مراحل سیر روح در چهار عنصر و افلاک و بیان خصوصیات هر کدام و چگونگی این سفر روحانی و مطالبی دیگر در این زمینه دارد. هر سه مقدمه به هم شبیه است اما از نظر مقدار تفاوت دارد. مقدمه N بسیار طولانی و مشروح است و حتی در بین آن ابیاتی از حدیقه ذکر شده، اما F و بخصوص K خلاصه‌ای از مقدمه N است. ۲۵ بیت اول که خطاب با «باد» است فقط در K و E هست با این تفاوت که E آنها را شرح نکرده و مانند N و F از آغاز نفس نامیه به شرح پرداخته است. هیچکدام از این چهار نسخه - همانطور که قبلاً ذکر شد - ابیات مدحیه را ندارد. شرح ابیات در N مفصل و کاملتر از بقیه است و حتی ابیات بسیار ساده را نیز توضیح داده، F بسیار نزدیک به N ولی تا حدی خلاصه‌تر و کمتر و K کاملاً خلاصه‌ای است از N است و در واقع لب مطلب را نوشته و E ابیات اولیه را شرح نکرده، سایر ابیات را تعدادی به ترتیب و بقیه را گاهی بدون شرح و گاهی چند بیت را با هم بطور خلاصه معنی کرده و ابیات پایانی را نیز بدون شرح نوشته است.

#### روش کلی در تصحیح و شرح ابیات:

تصحیح براساس نسخه S انجام شده و تفاوت نسخه‌ها و ابیات اضافی سایر نسخ همگی در پانویس ذکر گردیده، یعنی تعداد ابیات سیرالعباد بر اساس نسخه S، ۷۱۶ (۷۱۲ + ۴) بیت اضافی: ۲۲۶، ۵۳۹، ۵۴۰، ۷۰۰) بیت است. اما در قسمت شرح، هم به دلیل اینکه بسیاری ابیات پانویس از شروح بوده و هم برای کاملتر شدن ابیات، آنها نیز به متن اضافه شد که با این کار در قسمت شرح ۷۶۴ بیت نوشته و شرح داده شده است (این ابیات اضافی در متن شرح داخل () قرار گرفته است). ضمناً رسم الخط ابیات در بخش شرح، برخلاف متن اصلی مثنوی - که برای حفظ اصالت نسخه اساس، به همان صورت اصلی نوشته شده - به روش

امروزی انجام شده است.

شرح بیت‌ها به این صورت انجام شده که ابتدا در قسمت اول، هر بیت آمده، سپس شرح آن بر طبق نسخه N نوشته شده (به غیر از ۲۹ بیت اول که فقط از K است). لازم به ذکر است که اختلاف متن شروح، چه در مقدمه و چه شرح ابیات به دلیل خلاصه بودن سایر نسخ ذکر نشده مگر مواردی که N کمبود یا اشتباهی داشته و یا مفهوم نوشته دیگر نسخه‌ها متفاوت بوده، موارد آن ذکر شده است. در قسمت دوم برای توضیح بیشتر بعضی ابیات (که شرح شارح کوتاه یا نارسا بوده) و نیز برای اشاره به تلمیحات، ذکر آیات و احادیث، ضرب‌المثل و معنی لغات و اصطلاحات، مطالب لازم افزوده شده است. آیات و احادیث و مثلث‌های موجود، بعضی عیناً در ابیات آمده و بعضی از مضمون بیت یا توضیح شارح استنباط شده است.

شرح بیت‌ها تا شماره ۴۸۹ (آغاز مدحیه) بر اساس نسخه شرح (N) انجام شده و بقیه را (به دلیل نداشتن شروح) خود توضیحی داده و به منظور مشخص بودن شرح شارح، توضیحات این قسمت (۷۱۶ - ۴۹۰ - غیر از ۷۰۸ و ۷۰۹ در [ ] قرار گرفته است.

در پایان بخش توضیحات، شرح ۲۷ بیت اضافی نسخه‌های H.B.P همراه با معنی لغات آنها، برای تکمیل مطالب نوشته شده و ضمناً مقدمه دو نسخه F و K برای مزید فایده در پایان کتاب، همراه با معنی لغات و اصطلاحات آن افزوده شده است. همچنین فهرست لغات، آیات و احادیث، ضرب‌المثلها و نیز فهرست منابع در پایان قرار دارد. شماره بیت در تمام فهرستها براساس شماره ابیات در قسمت شرح می‌باشد. در یکی از ابیات نیز به سخن «شبللی» اشاره شد که در جای خود ذکر گردیده است.

لازم به ذکر است که سنایی در مدح ممدوح خود در برخی ابیات بسیار اغراق کرده تا جایی که حتی صفات خدایی را نیز به او نسبت داده است و این را می‌توان این گونه توجیه کرد که انسانهای کامل، وجودی متحد و یگانه دارند و هنگامی که به نهایت کمال رسند و در حق فنا شوند دیگر هر چه از ایشان به ظهور رسد الهی است و هر توصیفی که از ایشان شود از خداوند شده است چرا که به قول مولانا:

جان گرگان و سگان از هم جداست      متحد جانهای شیران خداست

پس در حقیقت، او کمال و والایی حق را که در وجود انسان کامل به ظهور رسیده،

می‌ستاید. و اینک نمونه‌ای از این ابیات :

بیت ۶۰۳، مصرع دوم متضمن آیه «لا تأخذہ سنة و لانوم» (بقره / ۲۵۵) و در مورد خداوند است و نیز ابیات ۶۲۶-۶۲۹ یادآور حدیث «لولاک لما خلقت الافلاک» است که در شأن حضرت رسول آمده، دیگر ترکیب «شدیدالقوی» در بیت ۷۱۱ که در قرآن، صفت جبرئیل است.

ابیات مشترک بین سیرالعباد و کارنامه بلخ نیز به شرح زیر است:

۱. مایه خشکی و مقابل اسم (ح ۱ ص ۴) (که در نسخه‌های کارنامه «نافه مشک ناب (مایه خشکی) و قایل نم» است).
۲. چند ازین گه درنگ و گاه شتاب (ح ۲ ص ۵)
۳. همه از ناوک بلاخسته... بیت ۴۵۹
۴. ساخته هر یک از میان ضمیر... بیت ۴۶۵
۵. قبله زیرکان ستانه اوست... بیت ۴۹۹
۶. رای بیدارش از طریق صواب... بیت ۵۱۴ (در کارنامه : عزم بیدارش)
۷. خاصه آنجا که راند باید خشم... بیت ۵۱۹ (در کارنامه : مجرم آنجا)
۸. بوده آنجا که بود باید گوش... بیت ۵۲۰
۹. خون مردان خورد به صبح و به شام... بیت ۵۴۲ (در کارنامه : تیغ او خون)
۱۰. ای خجسته قدم چو فرهای... بیت ۶۶۰ (در کارنامه : آن خجسته)
۱۱. ای برون برده از مراتب دم... بیت ۶۸۱ (در کارنامه : برتر آورده)
۱۲. سیرتت مایل محال مباد... بیت ۷۱۶ (در کارنامه : طبع او / مصرع دوم: ذات او)
۱۳. از خطا خامه تو در فتوی... بیت ۲۱ (ابیات الحاقی H.B.P)

(در کارنامه : خامه‌شان از خطا گه فتوی)

در اینجا بر خود واجب می‌دانم از زحمات و راهنمایی‌های بی‌دریغ استاد ارجمند و گرانقدر جناب آقای دکتر مهدی تدین مراتب تشکر و سپاس خود را ابراز کنم. همچنین از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر مهدی نوریان (استاد دانشگاه اصفهان) بسیار سپاسگزارم که مرا از راهنمایی‌های بسیار ارزشمند خود بهره‌مند فرمودند و نیز از استاد گرانقدر جناب

آقای دکتر جمشید مظاهری (استاد دانشگاه اصفهان) که پیوسته در حل مشکلات این کتاب مرا راهنمایی و کمک فرموده، بدون هیچ منّتی بلکه با کمال لطف و بزرگواری چهار نسخه این مثنوی را (K.F.P.N) نیز در اختیار این جانب قرار دادند.  
از درگاه خداوند متعال سربلندی و توفیق روزافزون همه استادان شریف و بزرگواری را خواستارم.

مریم السادات رنجبر

بهار ۱۳۷۸